



پیرنگره‌انی

قرآن کریم

به کوشش
دکتر علی رواقی

از چند سال پیش با موافقت شورای فرهنگستان ، قرار بر این شد که فرهنگستان در کنار فعالیت های پژوهشی خود ، به کار چاپ و نشر شماری از کتاب های مصوب شورا هم پردازد . برای تیمن و تبرک خواستند تا ترجمه ای از قرآن به عنوان نخستین نشریه از این مجموعه به چاپ برسد . از این روی نگارنده این یادداشت از چندین و چند ترجمه قدیم قرآن نمونه هایی را آماده کرد و از میان آن چند ترجمه ، فرهنگستان این متن را ، که پیش روی دارید برگزید . گزینش این ترجمه - تفسیر از میان چندین ترجمه دیگر به این دلیل بود که این متن در سنجش با دیگر ترجمه ها ساده تر می نمود .

اما به هر حال این ترجمه - تفسیر چند صد سال پیش بر پایه نیازهای فرهنگی و اجتماعی و باورهای دینی مترجمی دین باور نوشته شده است تا مردمی که در حوزه جغرافیایی او زندگی می کنند بتوانند از آن سود ببرند ، از این روی این متن ، با همه سادگی آن ، شماری از واژه های کاربردی آن روزگار را در خود نگه داشته است که پاره ای از این دشواری ها را در پیشگفتار و بسیاری دیگر را در برابر نهاده های دوسویه فارسی - قرآنی و فارسی نشان داده ایم .

می دانیم که در سنت ترجمه و برگردان قرآن به زبان فارسی ، بهره وری از ترجمه های پیشین ، برای آگاهی از اندیشه و ذهن و زبان ترجمانان دیگر امری عادی است ، ترجمه گران قرآن گاه در برابر نهاده های مترجمان پیش از خود سود می جسته اند و گاه دریافت ها و برداشت های آنان را ، دست مایه کار خویش قرار می داده اند .

نویسنده این ترجمه - تفسیر هم ، چنانکه در پیشگفتار کتاب هم گفته ایم ، از این شیوه پسندیده به دور نمانده است و بیش از همه ترجمه ها و تفسیرها به ترجمه تفسیر ابوبکر عتیق سوراآبادی توجه داشته است . در این پیش گفتار کوتاه بر آن نیستم تا از یکایک ویژگی های این دست نوشت برای شما سخنی

بگویم چرا که کوشیده ام تا متن چاپی حاضر آئینه تمام نمای دست نوشت اصلی باشد و خواننده این ترجمه - تفسیر با در دست داشتن این متن ، همگی آنچه را در دست نوشت وجود داشته است پیش روی خود ببیند ، از این روی ، تنها به بازگو کردن نمونه هایی از برخی ویژگی های این متن می پردازم . ترجمان این ترجمه - تفسیر با بهره وری از آیه های هر یک از سوره ها به تفسیر بسم الله پرداخته است . برای مثال در دست نوشت این ترجمه - تفسیر [ص ۷۰۹] ذیل بسمله در سوره تغابن آمده است :

الله : الذی هو علی کل شیءٍ قدیر

الرحمن : الذی هو باعمال العباد بصیر

الرحیم : الذی الیه المصیر

الله با توجه به نخستین آیه سوره تغابن : یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض له الملك و له

الحمد و هو علی کل شیءٍ قدیر

رحمن با در نظر داشتن آیه دوم همان سوره : هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن و الله

بما تعملون بصیر .

و رحیم با سود بردن از آیه سوم این سوره ترجمه و تفسیر شده است : و صورکم فاحسن صورکم

و الیه المصیر .

ترجمان این متن گاه از حروف مقطعه ، تفسیر گونه ای کرده است چنانکه ، در برخی از تفسیر

های دیگر نیز می بینیم ، بیشتر این نعمت ها و صفت ها برای خداوند و به گونه ای است که در هر

یک از این کلمات یکی از حروف مقطعه گنجانده شده است . الر : «منم خدای می بینم» . (حجر / ۱)

کهیصص : «کافی ، هادی ، یدالله فوق ایدیهم ، رحیم علیم ، صادقست خدای ، گروهی

گفته اند این نام مهین خداست عزوجل» . (مریم / ۱)

طسم : «طول ، سنا ، ملک» . (شعراء / ۱)

مترجم این ترجمه - تفسیر و شاید کاتب آن ، آنچه را که از مقوله تفسیر بوده است جدا از

ترجمه و بارنگ شنگرف نشان داده است . و مادر متن چاپی ، این تفسیر های شنگرفی رنگ را ، با

قلمی ریزتر از متن آوردیم تا ترجمه وازگان قرآنی هم چنان برجسته بمانند :

قال استبدلون الذی هو ادنی بالذی هو خیر (بقره / ۶۱)

«گفت موسی ابدل می خواهید شما آنچه را که آن فرومایه ترست از من و سلوی به آنی که آن

بهترست ، بزرگ قدرتر و بالاتر» .

انما الحیاة الدنیا لعب و لهو (محمد / ۳۶)

«هر اینکه این زندگانی فروتر و نزدیک تر بازی است و نا پروایی» .

و در پاره ای از موارد تفسیر کلمات با قلم شنگرف به صورت عربی آمده است :
و قولوا حطة (بقره / ۵۸)

«و گوید فرونهادنی از ما مسألتنا حطة».

یکی از ویژگی های نگارشی این متن ، شیوه ای است که در کتابت شماری از واژه ها در این ترجمه - تفسیر دیده می شود ؛ نویسنده با استفاده از واژه هایی که در ترجمه آمده است و همچنین از رنگ شنگرف ، با افزودن حرفی یا کلمه ای به واژه هایی که در ترجمه آمده است ، توانسته است از آن واژه ها در بخش تفسیر هم سود ببرد ، به نمونه هایی از این دست توجه کنید :

الذی جعل لکم الارض فراشاً (بقره / ۲۲)

دست نوشت : «آن خدایی که گردانید برای شما این زمین را بستری آرامگاهی» .

چاپی : «آن خدایی که کرد گردانید برای شما این زمین را بستری آرامگاهی» .

یا : و اذ اعدنا موسی اربعین لیلۃ ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظالمون (بقره / ۵۱)

دست نوشت : «و چون که نوید دادیم موسی را چهل شبانه روز باز پس فراگرفتید شما گوساله را بخدایی از پس رفتن او بکوه طور» .

چاپی : «و چون که نوید دادیم موسی را چهل شب شبانه روز باز پس فراگرفتید شما گوساله را به خدایی از پس رفتن او به کوه طور» .

در اینجا نمونه های دیگری از این شیوه کاربرد را می بینید :

خویش تن / خویش ، خویشن (بقره / ۹)

دروازه / در ، دروازه (بقره / ۵۸)

گردانند / کردند ، گردانند (اعراف / ۳۸)

دادند / داد ، دادند (اعراف / ۵۰)

گفتند / گفت ، گفتند (اعراف / ۶۰)

دی روز / دی ، دیروز (یونس / ۲۴)

پژ مرده / مرده ، پژمرده (زخرف / ۱۱)

شیوه نگارش معمول در نوشته های قدیم فارسی ، در این کتاب در بسیاری از واژه ها ، هم چنان بر جای مانده است .

چهار حرف پ ، چ ، ژ ، گ گاه به صورت ب ، ج ، ز ، ک آمده است و گاه به سه نقطه ضبط

شده است ، که ما همه این واژه ها را به صورت کاربردی امروزی آن نگه داشته ایم .

نویسنده این ترجمه - تفسیر گذاشتن و پذیرفتن و برگرفته های این دو واژه را گاه با نقطه ذال و

گاه بی نقطه آورده است که در متن همه جا آن کاربردها را با نقطه ضبط کردیم .
واژه هایی چون پاکیزه ها و چشمه ها و نهان کده ها در متن پاکیزه ها ، چشمها و نهان کدها

آمده بود که در متن چاپی ، همان صورت نخستین را حفظ کردیم :

پاکیزه ها / پاکیزه ها (بقره / ۵۷)

چشمها / چشمه ها (بقره / ۶۰)

چرب رودها / چرب روده ها (انعام / ۱۴۶)

خواستها / خواسته ها (انفال / ۳۶)

نهان کدها / نهان کده ها (توبه / ۵۶)

شوریدها / شوریده ها (یوسف / ۴۴)

رودکدهها / رودکده ها (رعد / ۱۷)

واژه هایی که به غیر ملفوظ پایان می گیرد ، چه در حالت جمع و چه به هنگام پیوند بای / گی

حاصل مصدر ، حرف «ه» در آنها باقی می ماند :

مرده گان (آل عمران / ۴۹ ، مانده / ۱۱۰ ، هود / ۶۷)

دورویه گان (نساء / ۸۸)

افتاده گان (هود / ۶۷)

رونده گان (یوسف / ۱۰)

فرستاده گان (صافات / ۱۳۹)

آفریده شدگان (بینه / ۷)

دوشیزه گی (رحمن / ۵۶)

تازه گی (دهر / ۱۱ ، مطلقین / ۲۴) *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

گاه این کاربرد ها را به شکل امروزی آن ضبط کرده است :

فرستادگان (صافات / ۱۲۳)

مردگان (فاطر / ۲۳)

در متن چاپی این هر دو صورت را نگاه داشتیم .

در پایان این یادداشت باید بگوییم که برای این ترجمه - تفسیر واژه نامه دو سویه ای فراهم کرده ایم ؛

در یک فهرست ، بیشتر برابر نهاده های فارسی را در برابر واژه های قرآنی قرار داده ایم و در دیگری ، واژه های

قرآنی را با برابر های فارسی آورده ایم ، تا خواننده بتواند با واژه ها و برخی از ساخت ها و دگرگونی های

آوایی این متن آشنا شود و نیازی به بازگو کردن و آوردن نمونه ها در پیش گفتار نباشد .